**بررسی مؤلفه های فقهی حمایت ازحریم خصوصی افراد درفضای مجازی**

**نویسنده:پژمان الهامی طالشمیکائیل**

**چکیده**

حق برحریم خصوصی ازمهم ترین حقوق انسانی محسوب میگردد. امروزه باتوسعه فناوری های ارتباطات و گسترش استفاده ا فضای سایبر،حریم خصوصی افراد درمعرض تهدیدواقع شده است. این پژوهش باروش توصیفی وتحلیلی شده است. سؤال اصلی مقاله آن است كه براي حمايت ازحريم خصوصي افراد درمحيط هاي مجازي، ا چه اصولی درآموزه های فقهی اسلام مي توان استنباط نمود وبر اساس آن ها به چه مؤلفه هاي فقهي، برای حمایت از این حق، می توان دست يافت؟

 در این مقاله بعد از بررسی های عمیق اكتشافي در فقه اماميه، به هفت مؤلفه فقهی جهت بررسی حریم خصوصی در فضای واقعی رسیدیم که از میان آنها سه مؤلفه ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش، ممنوعیت اشاعه فحشاء، ممنوعیت استراق سمع و بصر قابل تعمیم به فضای مجازی بود و در متن مقاله به دنبال تحليل و ترويج اين مؤلفه ها برآمده ايم.

**کلیدواژه ها:** قاعده تسلیط، اصل اباحه، حریم خصوصی، فضای مجازی

**مقدمه**

حقوق و آزادی های متفاوت انسان هر کدام جایگاه خاصی دارد و تعدی به هرکدام سبب بروز تألمات جسمی و روحی انسان ها خواهد شد. سرمایه بشری، محدود به حقوق مادی نیست؛ بلکه انسان ها دارای حقوق معنوی (هم چون امنیت جان و شخصیت فرد، حق مصونیت از تجاوز نامشروع دیگران نسبت به مکالمات، مکاتبات و مراسلات وی) هستند که اهمیت بیشتری نسبت به حقوق مادی دارند. حق حریم خصوصی از این حقوق است که فقدان یا تجاوز به آن تنش های فراوانی را در زندگی اجتماعی و شخصی افراد پدید می آورد. این حق از اساسی ترین حقوق انسا نها بوده و حمایت از آن در واقع حمایت از کرامت انسانی فرد محسوب می شود که تعرض به آن سبب تزلزل بنیان های اجتماعی جامعه می گردد. از این رو بایستی در حوزه های مختلف فردی و اجتماعی )از سوی افراد یا توسط حکومت ها( مورد حمایت قرار بگیرد.

هر چند در كشورهاي غربي تنها از اوايل دهه 1900 تصریحاً ( حق حریم خصوصی ) مورد توجه قرار گرفته است، اما حمايت از اين حق از آغاز نزول قرآن در آموزه هاي اسلام مورد توجه بوده است که در قالب احکام شرعی همچون­حرمت تجسس، استراق سمع و... تجلی یافته اند. در آيات قرآن كريم و سنت معصومین ( ع ) مي توان سفارش های بسیاری را در پرهيز از نقض مصاديق گوناگون حق مذکور يافت؛ اما كشورهاي غربي چند قرن بیش تر نیست که این حق را مورد شناسایی قرار داده اند و تا پیش از آن نسبت به این مفهوم رفتار تقابل گرایانه داشته اند.

در چند سال اخیر، پیشرفت فناوری به دست آوردن و نگهداری داده های خاص انبوه در مورد افراد را امکان پذیر ساخته است. امروزه در ادبیات حمایت از حریم خصوصی، بیشترین تمرکز بر کنترل اطلاعات و داده ها است که در میان ابزارهای مختلف جمع آوری داده ها، مخصوصاً بایستی به فضای مجازی توجه نمود. این امر یک مشکل و تهدید جدی است که از یک سو این اطلاعات می تواند علیه اشخاص به کارگرفته شودو ازسوی دیگر ممکن است مشکلات جدی برای زندگی اجتماعی پدید بیاورد. با توجه به این که در بسیاری از عرصه ها، ظرفیت های تکنولوژیکی از حمایت های قانونی حریم خصوصی سبقت گرفته اند، لازم است که در سطح روابط پیشرفته تکنولوژیک که مصداق بارز آن فضای مجازی است، در سطح تقنینی کلان، حمایت های کافی وکارآمد ازحق مذکور به عمل آید. از آن جا که قوانین درکشور ما مبتنی بر فقه اسلامی می باشند بازشناسی مؤلفه های فقهی در این زمینه لازم خواهد بود و ما را جهت تبیین اصول و مؤلفه های کارآمد برای تقنین در این زمینه راهبری خواهد کرد. از سویی در متون فقهی اسلام اصول متعددی وجود دارد که برای حمایت از حق مذکور در فضای واقعی می توانند مورد اتکا و توجّه قرار بگیرند، اما ازسوی دیگرممکن است اشکالی مطرح گردد که این اصول ومبانی برای حمایت ازحق برحریم خصوصی در فضای واقعی بوده و امکان استفاده و بسط آن ها برای حمایت از حق مذکور در فضای مجازی وجود ندارد

این حق درحوزه های گوناگونی می تواند مصداق و ظهور داشته باشد که یکی از آن ها بروز آن درفضای مجازی می باشد. با توجه به قابلیت های گوناگونی که در این فضا وجود دارد، بررسی وجوه مختلف حق مذکور برای حمایت از آن لازم جلوه میکند.با این حال در ضوابط حاکم بر حمایت از حریم خصوصی، حمایت از آن در فضاي مجازي محدود بوده و به آن توجه لازم مبذول نگشته است.

**1-مفاهیم پژوهش**

**1-1-فضاي سايبر )مجازي(**

فضاي سايبر را نمي توان مترادف اينترنت دانست، بلكه فضاي سايبر اعم است و اينترنت یکی از زيرمجموعه هاي آن محسوب مي شود. اما در اين مقاله، منظور ما معناي ((اخص )) فضاي سايبر (مجازي) كه هم اكنون در شبكه جهاني اينترنت تجلي يافته است، مي باشد و سايت هاي اينترنتي و شبكه هاي اجتماعي تعاملي در فضاي اينترنت را شامل می شود.

**1-2-حريم خصوصي**

((حريم خصوصي )) از عبارات نوی است كه در سده های اخیر ایجاد شده است. در کتاب و سنت اسلامی نیز نمی توان صراحتاً نشانی از این عبارت یافت و روش اسلام در اين خصوص به صورت تحویل گرایانه است. اکنون نیز در حوزه جهانی تعریفی واحد و مشخص از این عبارت وجود ندارد. ساموئل وارن و لوئيس برانديس حقوق دانان آمریکائی در سال 1890 نخستين باردر مقاله اي حريم خصوصي و مخصوصاً ((حق برخلوت )) را مطرح کردند[[1]](#footnote-1)

پس ازوی همه تعابیر موجود در تعاریف خود ازحریم خصوصی به عنوان ((حق )) یاد کرده و آن را مورد پذیرش قرار داده اند. در تعریفی منسجم از حریم خصوصی می توان چنین گفت: (( محدوده ای از اطلاعات افراد جامعه است که از نگاه عرف و یا با اعلام فرد، انتظار می رود که از هرگونه دسترسی و تعرض دیگران مصون بماند و هرگونه دخالت اشخاص و دولت ها در آن محدوده از زندگی افراد ممنوع و غیرمشروع است)).

**1-3-حريم خصوصي در فضاي مجازي**

محور اصلي و امروزين حمايت از حريم خصوصي در فضاي مجازي تعاريف مبتني بر اطلاعات و كنترل شخص برتوزيع اطلاعات وداده های خود ميباشد. افراد اجتماع هریک اطلاعاتی دارند که با میل به مخفی نگه داشتن آن ها، نمی خواهند که سایرین نسبت به آن علم و اگاهی پیدا کنند. این دسته از اطلاعات، آن گاه که به حیطه خصوصی فرد مربوط باشد،حریم خصوصی وی به شمار می آید و آن گاه که به نحوی در فضای مجازی نشر پیدا می کند، صحبت ازحریم خصوصی افراد در فضای مجازی به میان می آید.

**2-حمایت از حریم خصوصی در فقه اسلامی**

**2-1-پيشينه حريم خصوصي در اسلام**

ازپژوهش درمنابع شرع اسلام برمی آید که حمایت ازحريم خصوصي اعتقادات، محل زندگی، اموال، مراسلات و ارتباطات افراد ازهمان ابتدای ظهور اسلام وجود داشته و 14قرن است که در قالب های متفاوت از سوی اسلام تشریع گشته است. در حالی که حمایت جدی از این حق در جهان غرب، حتی در زبان تحویل گرایان سنت جهان غرب، نهایتاً 4 قرن است که مطرح شده و پیش از آن سخنی از این حق درمیان آنان مطرح نبوده است.

درآیات قرآن و سنت ائمه علیهم السلام هیچ گاه اصطلاح ((حریم خصوصی )) مشخصاً به کار نرفته است؛ همانطور که درسایرآیین ها مثل یهودومسیحیت نیزاز این عبارت به تصریح یاد نشده است. ماهیت و محتوای حریم خصوصی درشریعت اسلام، تحت تعابیری ازحقوق وآزادی های دیگر مثل حق مالکیت، حق درپناه اصل برائت بودن، حق مصونیت ازتجسس وتفتیش،حق مصونیت حقوق وابسته به شخصیت افراد، ممنوعیت آشکارسازی اسرار، حق انتخاب دین و اعتقاد، حرمت غیبت، ممنوعیت استراق سمع، ممنوعیت اشاعه فحشا و... مورد حمایت قرار گرفته است.

برای نمونه، آيات 27 و 28 سوره نور رعایت حرمت مسکن افراد را واجب شمرده و برای ورود به منازل افراد، اذن آ ها را برای دیگران لازم شمرده است. اين آيات خانه و ((بيت )) را به عنوان مصادیق بارز از حریم خصوصی افراد مدنظر داشته است[[2]](#footnote-2)

از لحاظ اخلاقی نیز تعدی به حریم خصوصی انسا نها گناه بوده ودارای مجازات اخروی درنظام اخلاقی اسلام می باشد. امام خميني (ره) در بند ششم فرمان هشت ماده اي فرموده اند که ((مانند اشاعه فحشا و گناهان از كبائر بسياربزرگ است))[[3]](#footnote-3)

درنگاه فقهی که احکام اسلام مشمول پنج نوع حکم حرمت، وجوب، ندب، كراهت و اباحه قرار میگیرد، تعدی به حريم خصوصي افراد ((حرام )) بوده و در اصطلاح فقه جزایی و از منظر حقوقی، جرم محسوب می گردد. امام خميني (ره) در فرمان مذکور مي فرمايند: ((مرتكبان هر كي از امور فوق مجرم و مستحق تعزير شرعي و بعضي از آنان مستوجب حد شرعي هستند ))

نکته مهم آن است که آیات و روایات اسلامی مربوط به حریم خصوصی حمایت خود را بیشتر از موضع تکلیف گرایانه تشریع کرده اند؛ نه از موضع وضعی و حق محور. به همین علت شایسته است که مسئولیت ناقضین حریم خصوصی را در احکام تکلیفی جست وجو نماییم؛ درحالی که در زمره احکام وضعی به شمار می آید و البته که این مسأله محل ایراد نیست که آیات و روایات اسلامی وجهه اخلا ق گرایانه و مذهبی دارند و نه جنبه حقوقی؛ تا برای تحمیل مسئولیت نقض کنندگان حق مذکور بتوان به آن استناد نمود[[4]](#footnote-4).

**2-2-مباني حمایت از حريم خصوصي در اسلام**

با توجه به آيات و روايات، چنین به نظر می رسد که مبتنی بر نظام اخلاقی و فقه اسلامی، حریم خصوصی در اسلام بر پنج اصل اساسی استوار است:

الف. قاعده تسلیط

ب . قاعده صحت و اصل اباحه

ج. اصل احترام به حريم و حرمت مؤمن

د. اصل توجه به كرامت انساني

**2-2-1-قاعده تسلیط**

(( قاعده تسلط )) یا (( قاعده تسلیط )) از قواعد مسلم فقهی محسوب می گردد. فقها به آن قاعده سلطنت نیزمیگویند. اصطلاح تسليط را گماشتن و چيره دست كردن معنا کرده اند. در اصطلاح فقهي آن را ((تسلط و اختيار مالك براي هرگونه تصرف دراموال خويش )) گفته اند. این قاعده بدان معنا است که هرکس بر مال خود تسلط کامل دارد و می تواند در آن هرنوع تصرف حقوقی و مادی انجام بدهد و کسی مجوز منع او را از تصرف در مالش بدون مجوز شرعی ندارد. اثبات این سیره توسط آیات، روایات و سیره عقلا بوده است[[5]](#footnote-5)

این قاعده دارای دو جنبه اثباتی و سلبی می باشد كه وجهه سلبی آن حمایت ازحق برحریم خصوصی را مدنظر دارد. از این منظر، اين قاعده به این معنا است كه تصرفات سایرین نسبت به اموال مالك بدون اذن او يا مزاحمت آنان نسبت به تصرفات او غيرمشروع می باشد و اگر تسلط مالكانه فردی سبب مزاحمت شود، مزاحم مسئولیت جبران آن را خواهد داشت. اینکه مالک حق داشته باشد بتواند هرگونه می خواهد در اموال خویش تصرف بکند .حق تصرف نام دارد و به واسطه این حق مي تواند از تعدی دیگران نسبت به حوزه اموال خویش ممانعت به عمل آورد. حق استفاده را حق بهره برداري مالكانه از اموال گفته اند که به موجب آن سایرین حق ملزم ساختن وی را برای نوعی خاص از بهره برداری ازمال خویش ندارند. حق هرنوع اقدام نسبت به اموال فرد نيز، حق انجام هرگونه عقدی نسبت به مال برای انتقال آن، مثل: فروش، اجاره، صلح، وصيت و غيره می باشد[[6]](#footnote-6)

هرچه درباره اموال صدق کند، با مورد حريم نيز منطبق است. از قاعده (( الحريم له حكم ما هو حريم له ))، که در كتب قواعد فقهيه وجود دارد، مستنبط است: هما نطور كه تصرف در اموال مجاز نیست، در حريم هم همین طور است. البته قاعده تسليط استثنائاتي نیز دارد، مثل آنکه: گاهی که مصلحت بالاتری وجود داشته باشد، جواز عمل برخلاف این قاعده وجود خواهد داشت.[[7]](#footnote-7)

**2-2-2-قاعده صحت و اصل اباحه**

اصل صحت که فقیهان آن را ((اصاله الصحه )) گفته اند، از قاعده های حائز اهمیت فقهی است و به صورت های مختلفی کاربرد پیدا می کند[[8]](#footnote-8)

آن چه که سبب قوت استناد به قاعده مذکور را فراهم می آورد، بنای عقلای جمیع ادیان و ملل است که شارع نیز با امضای خود به آن اعتبار بخشیده است و اسقاط این اصل از اعتبار سبب اختلال نظام جامعه در استنباط خواهد شددرتوضیح اصل صحت بایستی گفت که ذیل جواز تکلیفی، اصولاً اعمال افراد صحيح، مشروع و حلال می باشدوتا علتی برای صحیح نبودن آن اعمال پدید نیامده باشد، کسی نباید در حالت دوران امر بين احتمال صحت و مشرو­ع­بودن ازسویی و عدم صحت و عدم مشروع­بودن ازسوی دیگر، اعمال اشخاص را غیرمشروع و ناصحیح بداند[[9]](#footnote-9)

اصل مذکور بر مصلحت مسلمانان بنا شده است؛ به این دلیل که اگر اصل را در حیات آدمی بر فساد بگذاریم و در همه افعال و اعمال اشخاص تفحص نماییم، انسجام نظام مدنیت از هم گسیخته خواهد شد.

نكته قابل ذكر اين است كه در حقوق اسلام اصل صحت به مفهوم جواز تكليفي به اصل اباحه نزدیک مي گردد. معناي اصل اباحه آن است كه انسان نسبت به اشياء موجود در خارج هرگونه دخل و تصرفي را مي تواند داشته باشد؛ مگر در مواردي كه دليلي بر منع، وارد گردد. از طرفي اين اصل با مباح اعلام كردن افعال مردم در زماني كه منعي بر عدم آن نباشد، همانند اصل صحت مانع از شك و ترديد و كنكاش در رفتار انسان ها و در نتيجه نقض حريم خصوصي آنان توسط مقامات تعقيب مي گردد و از طرف ديگر با توجه به اینکه تصرف در حريم خصوصي اشخاص توسط آيات قرآن و رواياتي متعدد ممنوع اعلام گشته است، تصرف در اين حريم انساني، بر طبق اصل اباحه نيز ممنوع خواهد بود[[10]](#footnote-10)

**2-2-3-اصل احترام به حریم مومن**

درديدگاه اسلامي، حرمت مؤمن در نزد خداوند هم سنگ حرمت پيامبر، خاندان پيامبر، قرآن و كعبه اهميت دارد[[11]](#footnote-11)

در فقه اسلامي قاعده اي تحت عنوان ((حرمه دم المسلم و ماله و عرضه )) وجود دارد[[12]](#footnote-12)که بيانگر اصل احترام به جان، مال و آبروي افراد است. مال و دارايي مسلمان هم چون جان و خون وي محترم است[[13]](#footnote-13)

آبروي افراد داراي حرمت و مصونيت فوق العاده اي است و انسان نمي تواند به وسيله غيبت، تهمت، افشاگري و هرگونه رفتار ديگري، به آبرو و حيثيت ديگري آسيبي وارد نمايد، چنا نكه طبق فرمايش امام صادق( ع ) در ذيل روايتي درباره درجات ايمان ((هركس حيثيت مؤمني را بشكند، بر او واجب است كه آن را جبران نماید))[[14]](#footnote-14)

به گفته امام رضا( ع )مؤمن از كعبه عزيزتر و محترم تر و حتي حرمتش از آن بالاتر است[[15]](#footnote-15)اهميت احترام به مسلمان در خطبه 167 نهج البلاغه از حرمت كعبه هم فراتر رفته و آن را بر هر حرمتي برتري بخشيده است[[16]](#footnote-16)

ازسویی نیزآبرو وحیثیت اشخاص دراسلام ازمصونیت و حرمت ویژه ای برخوردار است که می تواند حق الناس محسوب شده و ذیل آن قرار گیرد. این حق الناس حرمت حریم افراد را از اختصاص به مؤمنین خارج کرده و آن را مختص به جمیع اشخاص و افراد می کند. ای نگونه است که آبروی عموم مردم در اسلام حرمت پیدا کرده و مانعی را برای تعدی و تجاوز به آبرو وحیثیت عموم مردم ایجاد کرده است.

بنابراين اصل و با تعمیم آن، احترام به حريم اشخاص اولين زيربناي حريم خصوصي در اسلام به حساب مي آيد و با توجه به وسعت معنايي و مصاديق اين اصل، اصل حرمت مؤمن هم شامل حراست از حريم خصوصي فرد در زندگي حقيقي می گردد و هم زندگي و اطلاعات مجازي فرد را در بر مي گيرد. لذا هرگونه اتّفاقی که موجب آسیب رساندن به آبروی افراد گردد مذموم و ممنوع است؛ چه این آسیب در محیط واقعی رخ داده و چه در فضاي مجازي انجام گیرد[[17]](#footnote-17).

**2-2-4-اصل پاسداشت كرامت انساني**

با توجه به ظرافتي كه درآفرينش انسان به كار رفته، هيچ مخلوقي با وي برابري نمي كند. خداوند متعال در آيه 70 سوره اسراء مي فرمايد: (( و لقد كرمنا بني آدم و حملنا هم في البر و البحر و رزقناهم من الطّيبات و فضّنا هم علي كثيرٍ ممّن خلقنا تفضيلا )) (( و ما فرزندان آدم را بسيار گرامى داشتيم ]كرامت داديم[... و بر بسيارى از مخلوقات خود برتري شان داديم، آن هم چه برتری؟!))در تفسیر این آیه گفته اند که حال نوع بشر را بیان نموده و آن را صر فنظر از برخی كرامت هاي خاص شمرده اند. آيه مذکور شامل فاسقین و مشركين نيز می شود؛ زيرا كه اگر آ نها مشمول آیه نبودند و مراد افراد مطیع بودند، عتاب و امتنان معنا پیدا نمی کرد[[18]](#footnote-18)

آيه 4 سوره تين بيان مي دارد: (( لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم )) (( حقيقتاً ما انسان را در بهترين بنيان آفريديم )) هم چنين در آيه 20 سوره لقمان بر اين مسأله تأكيد شده: ((الم تروا ان الله سخر لكم ما في السموات و ما في الارض و اسبغَ علیکم نعَمَهُ ظاهر و باطنه ))؛ یعنی كه آنچه در آسمان و زمين است، براي انسان مسخر گشته و يااینکه براي او خلق شده است.

حضرت رسول( ص )نسبت به كرامت انساني و حقوق بشر بسيار حريص بوده[[19]](#footnote-19) و همواره آن را مدنظر داشته است. اميرمؤمنان علي (عليه السلام) نيز در خطبه كي نهج البلاغه کرامت ذاتي انسان را مورد اشاره قرار مي دهد: ((پس خداوند ازفرشتگان خواست تا... ودربرابر كرامت انساني، به نشانه خضوع و خشوع، سجده آورند))[[20]](#footnote-20)

كرامت انساني به عنوان بنياد يترين عنصر براي ظهور و بروز رفتارهاي فردي و اجتماعي یک فرد تلقي مي شود، بدين معنا كه انسان علاوه بر كسب كرامت اكتسابي، كرامت ذاتي خود را نبايد به واسطه اعمال ناشايست خدشه دار كند و هم چنين نبايد اجازه دهد كه ديگران اين كرامت را مورد تعرض قرار دهند.

مقتضاي كرامت انسان آن است كه حوزه هاي حريم شخصي وي محترم شمرده شود و خدشه وارد شدن به هر یک از حوزه هاي حريم خصوصي فرد ارتباطي، مكاني، اطلاعاتي و جسماني منافي اصل كرامت انساني وي خواهد بود. بر همين مبناست كه اسلام مقررات سختگیرانه ای را براي تجاوز و تعرّض به قلمروي حريم خصوصي اشخاص وضع نموده و آن را به عنوان یک راهبرد اساسي در حقوق كيفري خود منظور داشته است.

بند ششم از فرمان هشت ماده اي امام خميني به عنوان كي حكم حكومتي بيان مي دارد: ((هیچ کس حق ندارد... نسبت به فردي اهانت نموده و اعمال غيرانساني اسلامي مرتكب شود، يا به تلفن يا نوار ضبط صوت ديگري به نام كشف جرم يا كشف مركز گناه گوش كند، يا براي كشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد يا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غير نمايد يا اسراري كه از غير به او رسيده ولو براي یک نفر فاش كند. تمام اين ها جرم ]و[ گناه است و بعضي از آن ها چون اشاعه فحشا و گناهان از كبائر بسيار بزرگ است و مرتكبين هر كي از امور فوق مجرم و مستحق تعزير شرعي هستند و بعضي از آن ها موجب حد شرعي مي باشد. ))[[21]](#footnote-21)

از آن جا که دو مفهوم حریم خصوصی و کرامت انسانی با هم درآمیختگی دارند، درنظام حقوقی اسلام اشخاص نمی توانند با رضایت خود ازدیگران سلب مسئولیت کرده و بدین وسیله محدوديت هاي حريم خصوصي اشخاص را رفع نمایند؛ گرچه این امر گاهی سبب محدودشدن حیطه حريم خصوصي افراد می شود. لذا از همین منظر است که اقرار به معاصی فردی دربرابر سایرین به گونه ای اشاعه فحشا شمرده شده و حرام می باشد. در نظام حقوقي اسلام حمايت از حريم خصوصي و حرام بودن تجاوز به آن در قالب كي حكم آمده است، نه حق و چنانچه می دانیم حكم را برخلاف حق نمی توان اسقاط نمود. درنظام اصطلاحات حقوقی، كرامت انساني و ذیل آن حق بر حريم خصوصي از قواعد عمومی و آمره بوده و امکان توافق برخلاف آن مثل قواعد تکمیلی و شخصی وجود ندارد و هم چنین نمی توان نسبت به نقض آن رضايت داد[[22]](#footnote-22)

**3-مؤلفه های محوَل حمایت ازحریم خصوصی در فضاي واقعي**

از اصطلاحاتی که در آیات و روایات اسلامی درباره حریم خصوصی به کار رفته اند،

رایج ترین آ نها به شرح زیر قابل بيان می باشند:

1-ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش

2-ممنوعیت استراق سمع و بصر

3-ممنوعیت اشاعه فحشا

4- ممنوعیت سوء ظن:

سوء ظن درقرآن و سنت به عنوان منشأ و ريشه اصلي تجسس و تفتيش در امور خصوصي ديگران معرفي شده و لذا پرهيز از آن به طور مؤكد مورد توصيه واقع شده است. در اين ارتباط می توان به فقره اول آيه 12 سوره مباركه حجرات اشاره كرد كه مؤمنان را به اجتناب از ظن فرا مي خواند.

5-ممنوعیت سب و هجو و قذف:

شیخ انصاری میگوید با توجه به ادله ی اربعه سبّ مؤمنین حرام است[[23]](#footnote-23)

6-ممنوعیت نمیمه و غیبت:

غیبت و نمیمه، به نوعی نقض حریم خصوصی اطلاعات افراد می باشد. شهید ثانی حقیقت نمیمه را افشای سری تعریف کرده است که دارنده ی آن، آشکارساختن آن را برای سایرین مجاز نمی داند.غیبت هم شدیدترین نوع نمیمه محسوب می شود.

7-ممنوعیت خیانت در امانت:

خداوند درآیه ۵۸ سوره مبارکه نساء مردم را به رعایت امانت داری فرمان داده است: ((انّ الله یأمرکم ان تؤدّوا الامانات إلی أهلها )) خداونددرآیه ۳۷ سوره انفال نیز مومنین را از ارتکاب خیانت در امانت نهی فرموده است. رعایت امانت هم چنین در روایات متعددی مورد تأکید و سفارش معصومین (ع) قرار گرفته است[[24]](#footnote-24)

**4-مؤلفه های فقهي قابل تعميم به فضاي مجازي**

ازميان مؤلفه هاي هفت گانه اي كه جهت حمايت ازحريم خصوصي در متون فقهي اشاره شده است، گرچه همگی به نحوی می توانند در ارتباط با حمایت از حریم خصوصی در فضای مجازی قرار بگیرند اما به سه مؤلفه جهت استفاده درفضاي سايبر (مجازي) مي توانيم بيشتر استناد کرده و آن ها را بیشتر تعميم دهيم كه اين مولفه های شامل(( ممنوعيت تجسس، تحسس و تفتيش )) (( ممنوعيت اشاعه فحشاء )) و ((ممنوعيت استراق سمع و بصر )) مي باشد. لذا در ادامه مقاله ، به تناسب موضوع به تشریح و تفصیل سه مؤلفه مذكور می پردازیم:

**4-1-ممنوعیت تفتیش، تحسس و تجسس**

ازدو لفظ تجسس و تحسس تعریف های مختلفی انجام شده است. عرف تحسس را احوال پرسی معنامیکند و اعم از پرسیدن ازکارهای خیریا شرافراد می باشد. اما اگر پرسیدن احوال درخصوص امور مخفی افراد یا از کارهای شر آنان و یا از امور آشکار یا خیر آنان ولی برای اهداف سوء صورت بگیرد مصداق تجسس ظهور پیدا می کند. درهرحال درفارسي تجسس را ((خبر جستن )) معنا کرده اند و اهل لغت درخصوص ماهیت آن چنین گفته اند که: به جست وجو در امور مخفیانه و غیرظاهر افراد جهت کشف معایب و تاریکی های زندگي آن ها تجسس می گویند. نویسنده مجمع البحرین آن را تفحص از بطن اعمال و جست وجوي خبر دانسته كه غالباً درخصوص شر انجام می شود[[25]](#footnote-25). تجسس و تلاش افراد برای پیداکردن عیب های دیگران سبب دخالت در کارهای آنان را پدید آورده و م یتواند منجر به نقض حریم خصوصی افراد گردد.

آیه 12 سوره حجرات می فرماید که: ((يا ايها الذينَ آمَنُوا اجتَنبُوا كثيراً منَ الظَّنّ انَّ بَعضَ الظَّن إثمٌ و لاتَجَسَّسُوا ))، در این آیه، خداوند انسان ها را از کنجکاوی و كشف اسرار و عيوب مؤمنان نهي فرموده و چون در آيه متعلَّق عبارت (( و لاتجسَّسوا )) ذكر نشده است، ظاهراً امکان استنباط اطلاق از آن وجود دارد و به طور مطلق می توان تجسس دراموردیگران را حرام دانست، مگر با علت ویژه ای استثنا بوده و يا به طورخاص از موضوع تجسس بیرون باشد.

تفتیش و تجسس در امور شخصی و مخفیانه مؤمن، در احاديث شيعه و اهل سنت نيز مورد مذمت قرار گرفته است. دركتاب هاى صحيح بخارى و مسلم از ابوهريره نقل شده كه پيامبر اسلام (صلي الله عليه و آله و سلم) فرمود: ((دركارهاى آشكار و پنهان مردم كنجكاوى و تجسس نكنيد و درباره همديگر افشاگرى نكنيد ))[[26]](#footnote-26)

هم چنين ذکر شده: (( از تفحص درباره اسرار پنهاني مؤمنان بپرهیزید، زیرا هر فردی که در عیوب دیگران تفحص كند، خداوند در عیوب وی تفحص خواهد نمود و هر فردی که خداوند در عیب های او تفحص نماید، رسوا و بی آبرو خواهد شد، گرچه لغزش او در گوشه خانه اش بوده باشد.))[[27]](#footnote-27)

دركنارهم قراردادن اطلاعات و داده های شخصی بارگذاری شده درفضای مجازي ونیاز به واكاوي آن ها زمينه تجسس درامورشخصي افراد را فراهم مي سازد كه انجام اين عمل موجب نقض حريم خصوصي است. موضوع حکم ممنوعیت تفتیش، تحسس و تجسس، ماهیت اطلاعات و داده های شخصی افراد می باشد که به موجب این ممنوعیت شارع در پی ایجاد حریمی برای حفظ آن ها بوده است تا از این طریق سایرین را از واکاوی و وارسی اطلاعات شخصی سایرین باز دارد. به عبارتی آن چه که مرکز توجه شارع برای حمایت قرار داشته و قصد دارد که آن را ازدسترس سایرین خارج نگه دارد، اصل داده های افراد است که بایستی برای آن ها حیطه خصوصی قائل شد. حال با اذعان به متعلق حکم مذکور و اظهار به آن امر که اهمیت این حکم در توجه به اصل اطلاعات شخصی می باشد، می توان دریافت که حکم ممنوعیت مذکور اختصاصی به فضای واقعی نداشته و نمی توان موضوعیت انحصاری برای آن قائل شد. لذا ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش را نمی توان تنها به حیطه ی فضای واقعی محدود کرد و کارکرد این ممنوعیت را شامل فضاي مجازي ندانست نهایتاً بایستی اظهار داشت که این ممنوعیت علاوه بر فضای واقعی، مسائل موجود درفضاي مجازي را نیز در بر می گیرد.

**4-2-ممنوعيت اشاعه فحشاء**

درقرآن کریم اشاعه فحشاء به عنوان عملی معرفی شده است که عذاب دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت؛ درسوره نور آیه 19 می فرماید: ((ان الذین یحبون أَنْ تشیع الْفاحِشَه فِي الَّذينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلي م فِي الدُّنْيا وَ الآْخِرَه وَ الله یعلم وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُون )) ؛ (( آن هايي كه دوست دارند كارهاي زشت و منكردر ميان اهل ايمان اشاعه پيدا كند، برايشان در دنيا و آخرت عذاب دردناكي وجود دارد و خداوند مي داند و شما نمي دانید )) لذا در فقه اسلامی افشای گناهان اشخاص به عنوان عملی حرام شناخته شده و حکم حرمت برآن بار کرده اند. درباره آیه 19 مذکور امام صادق )عليه السلام( می فرمایند:(( کسانی که درخصوص مؤمنان، هرچه را که دیده اند و یا شنیده اند، نقل میک‌نند، همان کسانی هستند که خداوند درباره آن ها چنین فرموده است: إِنَّ الَّذينَ يحِبُّونَ أَنْ تَشيعَ الْفاحِشَه... ))[[28]](#footnote-28)

ارتباط ممنوعيت فحشا باحرمت نقض حريم خصوصي هم از جهت خصوصي يا شخصي و هم از جهت عمومي مطرح است. اشاعه فحشا در حوزه شخصي موجب نقض حريم خصوصي افراد و انتشار عيوب آن ها مي گردد. ازسوي ديگر اشاعه فحشا به دليل ارتباط با فضاي عمومي جنبه عمومي هم پيدا میکند. البته این جنبه اهميت بيشتري دارد زيرا ممكن است كي انسان از افشاي پاره ای اسرارخويش، كه معمولاً اشخاص آن را كتمان مي كنند و تمايلي به افشاي آن ندارند، ناراضي و بي رغبت نباشد و يا به علني سازي آن رضايت دهد، لیکن افشاي اين اسراردرجامعه ((اشاعه فحشا )) قلمداد شود. بديهي است كه در اي نگونه موارد حتي رضايت صاحب حريم خصوصي نيزنمي تواندجوازهتك ستر و افشاي اسرارتلقي شود، زيرا با اشاعه مواردي كه با اخلاق عمومي جامعه تناقض دارد، تجاوز به حقوق عامه محقق مي شود. از تفاوت های حقوق اسلامی با سایر نظام های حقوقی در زمینه نقض حریم خصوصی همین موضوع است. درساير نظام های حقوقی رضایت افراد به نقض حریم خصوصی شان می تواند مجوزی برای این عمل باشد که بر این اساس محدوده حریم خصوصی وی بسیار گسترده شده و یا مرتفع می شود و لذا مسئولیتی برای دیگران درخصوصی نقض آن وجود نخواهد داشت؛ در این حالت جنبه خصوصی و شخصی اشاعه فحشا است که اصالت خواهد یافت. اما در نظام حقوقي اسلام، نمی توان توافقی انجام داد و بر اساس آن جواز افشا همه امور محرمانه و شخصي را صادر نمود. فلذا اصل برعموميت است. لذا دين مبين اسلام علاوه براینکه حكومت وكارگزاران وعوامل آن ونيزاشخاص ديگر را ازتجسس وورود به حريم خصوصي انسان ها و افشاي اسرار، ازجمله فساد اخلاقي آنان، منع مي كند، صاحب حريم را نيزمجاز نمي داند تا شخصاً به افشا و اشاعه آن دسته از اسرارخويش، كه به دليل ضرورت مكتوم ماندن آن ها در اصطلاح به ((عورت )) تعبير گرديده است، اقدام كند يا اجازه بر ملا ساختن آن را به ديگري بدهد بديهي است كه هرگونه هتك حريم خصوصي شخصي در فضاي مجازي كه موجب اشاعه فحشا گردد جايز نيست. بنابراين هيچ كس نمي تواند تصاوير مستهجن خود را در فضاي سایبر بارگذاري نمايد و يا به اعمال زشت خود در فضاي سایبر اقرار نمايد. ممنوعيت اشاعه فحشا از اين جهت بسيار داراي اهميت است كه مابقي موارد نقض حريم خصوصي را نيز تحت الشعاع قرار مي دهد.

البته اگرهركي ازمصادیق نقض حريم خصوصي مانند تهمت یا غیبت در نتیجه خروج از حيطه شخصي به اشاعه فحشا منجر شود مسأله جنبه حكمي و آمرانه می یابد و رضايت شخص هم اثری در رفع حكم مذکور نخواهد داشت. به بیانی اشاعه فحشا قادر است به هرکدام از موارد نقض حريم خصوصي كه جنبه اخلاقي صرف دارند، اثر حقوقي بخشیده و برخورد او با ناقض، ضمانت اجرای مناسب داشته باشد[[29]](#footnote-29)

**4-3-ممنوعیت استراق سمع و بصر**

استراق سمع و بصریکی از موارد تجسس است كه به دليل اهميت آن ها به طور مجزا مورد بررسي قرار مي گيرند. به طور كلي استراق سمع و بصر را می توان اینگونه دانست که فردی مخفیانه دیگری را زیر نظر داشته باشد و صحبت ها و مطالب وی را بدون رضایت او گوش دهد و يا مخفیانه به تماشای او بپردازد. مفهوم ((استراق سمع )) گوش دادن به سخن ديگري به صورت پنهاني است كه از ديدگاه شريعت اسلام ممنوع و حرام است و شخصي كه مبادرت به كنترل مخفيانه مكالمات اشخاص نمايد مرتكب تجسس در حريم خصوصي ديگران گرديده است. در تعبير پيامبر اكرم )صلي الله عليه و آله و سلم( از استراق سمع آمده است:(( براي هر عضوي از اعضاي بدن آدمي سهمي از زناست...، و زناي گوش انسان شنيدن سخن مخفيانه است... )) [[30]](#footnote-30)هم چنین پیامبر اسلام )ص( فرموده اند هر فردی که به صحبت های دیگران گوش کند، در حالی که آن ها راضی به این امر نباشند، روز قیامت در گوشش سرب خواهند ریخت: ((من استمع إلی حدیث قوم و هم یفرون منه، حُبّ فی أذینه الآنک ))[[31]](#footnote-31)

همچنين ((استراق بصر )) نيز به مفهوم نگاه غيرمجاز و پنهاني به هر چيزي است كه در قلمروي حريم خصوصي اشخاص قرار م يگيرد، در حاليكه صاحب حريم رضايت و تمايلي به نظاره ديگري ندارد. به همین دليل آن را به صورت علني و آشكار در معرض نگاه ديگران قرار نداده است. در فقه اسلامی انسا نها توصیه شده اند که با نگاه کردن زمینه نقض حریم خصوصی افراد را فراهم نسازند. قرآن كريم در آیه 19 سوره فاطر می فرمایند: (( يعل م خائن ة الاَعي ن و ما تُخفي الصدور ))؛ در این آیه خيانت چشم را كه یکی از اشكال و مصاديق بارز آن نگاه بدون اجازه به حريم خصوصي اشخاص است مورد نكوهش قرار داده است. پيامبر اكرم (ص ) در خصوص نگاه کردن بی اجازه به مكاتبات اشخاص فرموده است: هر كس به نامه برادر ديني خود نگاه كند، مانند اين است كه به عورت خويش نظر افكنده است[[32]](#footnote-32)

فقها نگاه به نامحرم را حرام دانسته و نگاه مخفیانه در خانه مردم را نیز غیرمشروع دانسته اند و گفته اند که این حق برای صاحب­خانه وجود دارد که چیزی به سمت او پرتاب کرده و مسئولیت و ضمانی هم برای او وجود ندارد؛ حتي اگر فردی به داخل خانه هايي که با فاصله زیاد از وی قرار دارند، به وسیله ابزار (مثل دوربين قوي) نگاه بیندازد، گویی که از نزدیک نگاه انداخته است[[33]](#footnote-33)

مطابق احکام شرعی اسلام اگر شخصی موجب ازبین رفتن بینایی دو چشم دیگری گردد، به اندازه دیه انسان کامل برعهده او قرار دارد و اندازه دیه یک چشم فرد نیز برابر با نصف دیه یک انسان کامل می باشد. اما اگر فردی به درون خانه و اسرار و عورت مردم و یا به نوامیس آنان نگاه دزدانه كرده و بدین گونه سبب نقض حريم خصوصي افراد شود و در آن حال به او صدمه ای زده شود و چشمان آن فرد ضربه ببيند، مستلزم دیه نخواهد بود. حکم مذکور بیان گر بی ارزشی چشمان خائن و در نتیجه اهمیت حریم خصوصی و ممنوعیت نقض آن در فقه اسلامی می باشد. بعضي از فقیهان در پاسخ به استفتای این موضوع که ((آيا استفاده از وسايل استراق سمع براى تجسس و شنيدن مكالمه مردم، مانند ضبط كردن مكالمه افرادى كه كراهت از افشاى آن دارند يا كنترل تلفن اشخاص چه حكمى دارد؟ )) با تأكيد بر عدم جواز استراق سمع، بيان داشته اند: ((در غيرحال ضرورت منحصره نسبت به دفع مفسده مهم، جايز نيست ))[[34]](#footnote-34)

اسلام با وضع حكم حرمت استراق سمع و بصر راه هاي نقض حريم خصوصي را مسدود نموده است که این امر با توجّه به احکام فقهی قابل تسری به امور مربوط به فضای مجازی نیز می باشد و از جهاتی می توان گفت دایره شمول این احکام در فضای مذکور به مراتب بیشتر از پیش نیز خواهد بود.

**نتیجه گیری**

در اين نوشتار با تمسك به استدلال هاي اصولي فقه به استخراج مؤلفه هاي فقهي حمایت از حریم خصوصی پرداختیم و اين رهگذر روشن شد كه:

1-پنج اصل اساسي اسلام براي حمایت کلی ازحريم خصوصي درآموزه هاي اخلاقي واحكام فقهي شامل: ((قاعده تسلیط )) (( قاعده صحت و اصل اباحه )) (( اصل احترام به حريم وحرمت مؤمن )) (( اصل توجه به كرامت انساني )) و ((لزوم عموميت اذن در روابط اجتماعي )) مي باشد. مؤلفه هاي هفت گانه که منبعث از اصول فقهي مذکوربوده وازحريم خصوصي درفضاي واقعي حمايت مي كند عبارت اند از؛ ((ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش ))، ((ممنوعیت سو ءظن )) (( ممنوعیت سب وهجو و قذف )) (( ممنوعیت نمیمه و غیبت )) (( ممنوعیت خیانت در امانت )) (( ممنوعیت استراق سمع و بصر )) و ((ممنوعیت اشاعه فحشا)).

2-برای استنباط مؤلفه های فقهی حمایت ازحریم خصوصی درفضای مجازی بایستی ازمیان مؤلفه های مذکورکه به حمایت ازحق مذکور درفضای واقعی پرداخته بود، آن هایی را که با توجه به تفاوت های فضای مجازی با فضای واقعی قابل ترویج می باشند مشخصاً تبیین نمود. تفاوت های دو فضای واقعی و مجازی ممکن است ما رادر استفاده ازمؤلفه های کلی برای حمایت از این حق درفضای مجازی با تردید مواجه سازد. تحلیل و ترویج مؤلفه های قابل استفاده برای حمایت از این حق در فضای مجازی می تواند به عنوان پاسخی به تردید مذکور عمل کرده و راهگشا باشد. در این راستا سه مؤلفه برای حمایت از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی قابل تعمیم بود که شامل ((ممنوعيت تجسس، تحسس و تفتيش )) (( ممنوعيت اشاعه فحشا )) و ((ممنوعيت استراق سمع و بصر )) مي باشد و در پی ترویج و تبیین آنها برآمده ایم.

3-هما نطورکه اصول ومولفه های حمایت ازحریم خصوصی درفضای واقعی رامی توان مشخصاً استنباط نموده ودرپژوهش های پیشین نیزذکرشده اند، زمینه های حمایت ازحق برحریم خصوصی درفضای مجازی نیزدرمنابع اسلامی وجود دارد و می توان ازآن ها به عنوان یکی از منابع حقوق درجهت تدوین مقررات و رویه های قضایی بهره جست؛ با ترویج این اصول و مؤلفه ها روشن گردید که از لحاظ مباني تفاوتي ميان حق حريم خصوصي در فضاي مجازي و حقيقي وجود ندارد.

**منابع**

-قرآن کریم

-أبوبصیر، عبدالمنعم مصطفی حلیمه، ( 2001 )، حکم الجاسوس.

-احمدلو، مونا، ( 1392 )،خصوصي در فقه و حقوق ايران، تهران، انتشارات مجد.

-انصاری، باقر، ( 1383 )،حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران ،مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،شماره 66.

-انصاري، شيخ مرتضي، ( 1374 )، فرائد الاصول )الرسايل(، قم، انتشارات مصطفوي.

- انصاری، شیخ مرتضی، ( 1374 )، کتاب المکاسب، الجزء الثانی، قم، انتشارات دهاقانی.

 -برقى، ابوجعفر، ( 1371 )، المحاسن، قم،دارالكتب الإسلاميه، چاپ دوم.

- بهجت فومنى، محمدتقى، ( 1428 )،استفتائات، قم، دفتر حضرت آيه الله بهجت.

-جبعی العاملی، زین الدین )شهید ثانی)، ( 1374 )،رسائل، قم، مکتبه بصیرتی.

- حر عاملى، محمدبن حسن، ( 1409 )، تفصيل وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعه، قم: مؤسسه آ ل البيت عليهم السلام.

-حر عاملی، ( 1372 )، الوسائل الشیعه، تهران، مکتب الاسلامیه.

- حسينی شيرازى، سيدمحمد، ( 1419 )، الفقه القانون، بيروت، مركز الرسول الأعظم)ص( للتحقيق و النشر، چاپ دوم.

-سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین، ( 1379 )، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات علامه، چاپ اول.

- دهخدا، علی اکبر، ( 1361 )، لغت نامه، تهران،دانشگاه تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.

 -الری شهری، محمد، ( 1375 )، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.

- ساریخانی، عادل و موسوی، محمد ، ( 1390 )،قلمرو پوشش و حریم خصوصی در سیاست کیفری اسلام ، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره 4.

 -السجستانی، أبی داوود سلیمان بن اشعث ، ( 1990 )، سنن أبی داوود، قم، دارالفکر.

- سیدسعادتی، فهیمه ، ( 1392 )،صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی بر اساس هنجارهای اسلامی ، راهبرد فرهنگ، شماره 23.

-شكرخواه، يونس، ( 1381 )، واژه نامه ارتباطات، تهران، انتشارات سروش.

- طباطبايي، محمدحسين، ( 1371 )، الميزان في تفسير القرآن، قم، اسماعيليان.

 -طوسى، محمدبن حسن، ( 1387 )، المبسوط في فقه الإماميه، تهران، المكتبه المرتضويه الإحياء الآثار الجعفريه.

-فروغی، فضل الله و برجی، محمدناصر و مصلحی، جواد،( 1393 )، مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا ، مجله مطالعات حقوقی، دوره 6، شماره 3 .

-قاسم زاده، فریدون و محسنی، فرید، ( 1382 )،چالش های قانونی تجارت الکترونیکی در ایران ، کنفرانس بین المللی مدیریت، تهران.

- القرطبی، أبی عبدالله محمد بن احمد الأنصاری، ( 1985 )، تفسیر القرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

-قمي، عباس، ( 1363 )، سفينه البحار و مدينه الحكم و الآثار، تهران، فراهاني.

- قنواتي، جليل و جاور، حسين ، ( 1390 )، مباني احترام در شناسايي و حمايت از حريم خصوصي در حوزه ارتباطات ، نشريه حقوق اسلامي، شماره 29.

-كلينى، محمدبني‌عقوب ، ( 1407 )، الكافی، تهران، دارالكتب الإسلاميه، چاپ چهارم.

- مجلسى، محمدتقى ، ( 1406 )، روضه المتقين في شرح من لايحضره الفقيه، قم،مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور، چاپ دوم.

-محقق داماد، سيد مصطفی ، ( 1388 )،قواعد فقه بخش مدني، تهران، مركز نشر علوم اسلامي.

-مزینانی، محمدصادق ، ( 1387 )،نگاهى به قاعده لاضرر از ديدگاه امام خمينى ، مجله فقه، شماره21 و 22.

- المناوی، محمد عبدالرؤوف، ( 1994 )، فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر، بیروت، دارالکتب العلمیه.

 -منتظرى نجف آبادى، حسنعلی، ( 1409 )، دراسات في ولايه الفقيه و فقه الدوله الإسلاميه، قم، نشر تفكر، چاپ دوم.

- موسوى خلخالى، سيدمحمدمهدى ، ( 1427 )، فقه الشيعه، کتاب الإجاره، تهران، مركز فرهنگى انتشارات منير.

-موسو ى الخمينى، سيدروح الله، ( 1387 )، صحيفه امام، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.

- مهريزي، مهدي، ( 1378 )،دولت ديني و حريم خصوصي ، مجلس خبرگان، شماره 12.

 -نوبهار، رحيم، ( 1386 )، **حقوق کیفری و حوزه عمومي**، رساله دكتري حقوق جزا و جرم شناسي، دانشگاه شهيد بهشتي، دانشكده حقوق.

-نورى، ميرزاحسين، ( 1408 )، **مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل**، بيروت،مؤسسه آل البیت عليهم السلام.

-Jozsef, Zsuzsanna (2010), Principles of the American Real Property Law, Karoli Gaspar University, Graduate Doctoral (Ph.D.) Program.

1. نوبهار، رحیم، حقوق کیفری و حوزه عمومي، رساله دكتري حقوق جزا و جرمشناسي، سال 1386، ص 186 [↑](#footnote-ref-1)
2. ساریخانی، عادل، موسویف محمد، قلمرو پوشش و حریم خصوصی در سیاست کیفری اسلام ، فصلنامه نظم و امنیت انتظامیف شماره 40، سال 1390، ص 8 [↑](#footnote-ref-2)
3. مهریزی، مهدی، دولت ديني و حريم خصوصي، مجلس خبرگان،شماره 12، سال 1378، ص 45 [↑](#footnote-ref-3)
4. انصاری، شیخ مرتضی، فوائد الاصول )الرسايل(،انتشارات مصطفوی، سال 1374، ص 214 [↑](#footnote-ref-4)
5. پیشین، ص 320 [↑](#footnote-ref-5)
6. Jozsef, Zsuzsanna, Principles of the American Real Property Law, Karoli Gaspar University**,**2010,p35 [↑](#footnote-ref-6)
7. فروغی، فضل الله، برجی، محمد ناصر، مصلحی، جواد، مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا، مجله مطالعات حقوقی، دوره 6، شماره 3، سال 1393، ص 26 [↑](#footnote-ref-7)
8. احمدلو، مونا، حريم خصوصي در فقه و حقوق ايران،انتشارات مجد، سال 1392، ص 159 [↑](#footnote-ref-8)
9. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه بخش مدني،مركز نشر علوم اسلامي، سال 1388، ص 195 [↑](#footnote-ref-9)
10. پیشین، مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا، ص 27 [↑](#footnote-ref-10)
11. كلينى، محمدبن یعقوب، الکافی، دارالكتب الإسلاميه، چاپ چهارم، سال 1407، ص 108 [↑](#footnote-ref-11)
12. موسوى خلخالى، سيدمحمدمهدى، فقه الشیعه، کتاب الإجاره، مركز فرهنگى انتشارات منير، سال 1427، ص465 [↑](#footnote-ref-12)
13. طوسى، محمدبن حسن، المبسوط في فقه الإماميه، المكتبه المرتضويه الإحياء الآثار الجعفريه، سال 1387، ص 59 [↑](#footnote-ref-13)
14. حر عاملى، محمدبن حسن، تفصيل وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعه، مؤسسه آ لالبيت عليهم السلام، سال 1409، ص 162 [↑](#footnote-ref-14)
15. محدث نورى، ميرزاحسين، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آآل البیت عليهم السلام، سال 1408، 343 [↑](#footnote-ref-15)
16. سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات علامه، چاپ اول، سال 1379، ص 242 [↑](#footnote-ref-16)
17. سیدسعادتی، فهیمه، صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی بر اساس هنجارهای اسلامی، راهبرد فرهنگ، شماره 23، سال 1392، ص 163 [↑](#footnote-ref-17)
18. طباطبايي، محمدحسين، الميزان في تفسير القرآن،اسماعیلیان، سال 1371، ص 155 [↑](#footnote-ref-18)
19. حسينی شيرازى، سيدمحمد، الفقه القانون، مركز الرسول الأعظم)ص( للتحقيق و النشر، چاپ دوم، سال 1419، ص 191 [↑](#footnote-ref-19)
20. پیشین، نهج البلاغه، ص 242 [↑](#footnote-ref-20)
21. موسوی الخمينى، سيدروح الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، سال 1378، ص 139 [↑](#footnote-ref-21)
22. پیشین، صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی بر اساس هنجارهای اسلامی، ص 166 [↑](#footnote-ref-22)
23. پیشین، فوائد الاصول )الرسايل(،ص 94 [↑](#footnote-ref-23)
24. انصاری، باقر، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره66،سال 1383، ص 13 [↑](#footnote-ref-24)
25. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، دانشگاه تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، سال 1361، ص148 [↑](#footnote-ref-25)
26. منتظرى نجف آبادى، حسینعلی، دراسات في ولايه الفقيه و فقه الدوله الإسلاميه، نشر تفكر، چاپ دوم، سال 1409، ص 540 [↑](#footnote-ref-26)
27. برقى، ابوجعفر، المحاسن، دارالكتب الإسلاميه، چاپ دوم، سال 1371، ص 104 [↑](#footnote-ref-27)
28. پیشین، الکافی، ص 357 [↑](#footnote-ref-28)
29. پیشین، صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی بر اساس هنجارهای اسلامی، ص 170-171. [↑](#footnote-ref-29)
30. پیشین، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ص 269 [↑](#footnote-ref-30)
31. أبوبصیر، عبدالمنعم مصطفی حلیمه، حکم الجاسوس، سال 2001، ص 3 [↑](#footnote-ref-31)
32. قمي، عباس، سفينه البحار و مدينه الحكم و الآثار،فراهانی، سال 1363، ص 389 [↑](#footnote-ref-32)
33. موسوی الخمینی، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، سال 1386، ص 491 [↑](#footnote-ref-33)
34. بهجت فومنى، محمدتقى، استفتائات، دفتر حضرت آيه الله بهجت، سال 1428، ص 222 [↑](#footnote-ref-34)